

پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده / سال دوم / شماره چهارم / بهار و تابستان ۱۳۹۴ / ۹۳-۱۱۴

رابطه حیای همسران و ناسازگاری‌های زناشویی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۵

محمد مهدی عباسی آغوی^۱، صادق کریم زاده^۲، محمدرضا احمدی محمدآبادی^۳

چکیده

عمیق‌ترین و اثرگذارترین روابط زندگی انسان یعنی، روابط زناشویی، گاه با نابسامانی‌ها و ناسازگاری‌هایی روبرو می‌شود که اگر برطرف نشود اثرات ناگواری روی فرد و جامعه به جای خواهد گذاشت. مؤلفه‌های گوناگونی با ناسازگاری‌های زناشویی در ارتباط است که می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی همسران اشاره کرد. از جمله ویژگی‌هایی است که با ناسازگاری زناشویی ارتباط دارد «حیا» می‌باشد که بسیار کم به صورت کمی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این پژوهش مطالعه رابطه حیای همسران و ناسازگاری‌های آنان است. آزمون‌های تعارض زناشویی (MCQR) و آزمون حیا بر روی ۱۴۰ نفر نمونه (۶۵ مرد و ۷۵ زن متأهل) که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند، اجرا شد. بر اساس نتایج این پژوهش رابطه مثبت و معنادار بین حیای منفی (از جمله کم‌رویی) و ناسازگاری‌های زناشویی به دست آمد. بین حیای از خدا و حیای از خود با ناسازگاری‌های زناشویی، همبستگی منفی و معنادار وجود داشت. حیای زن ارتباط بیشتری با ناسازگاری زناشویی نشان داد که همسو با تعالیم دین اسلام است.

واژگان کلیدی: حیا، حیای مثبت، حیای منفی، ناسازگاری‌های زناشویی،

تعارض زناشویی.

۱. دانش‌پژوه دوره دکتری، گرایش فلسفه تطبیقی، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Mahdi.abbasi202@gmail.com

۲. استادیار روان‌شناسی تربیتی، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.
Email: skarimzadeh178@yahoo.com

۳. استادیار روان‌شناسی تربیتی، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران. مدرس جامعه المصطفی علیه السلام العالمية. مدرس جامعه المصطفی العالمية
Email: m.r.ahmadi313@gmail.com

۱. مقدمه

حیا از مهم‌ترین صفات نفسانی است که تأثیر فراوانی بر حوزه‌های مختلف زندگی اخلاقی دارد که مهم‌ترین تأثیر آن بازدارندگی است. حیا از سازه‌هایی که جنبه خودکنترلی و تنظیمی در رفتار دارد. (پسندیده، ۱۳۸۴) با وجود آنکه حیا درآموزه‌های اسلامی «رأس مکارم اخلاقی» شمرده شده است (رک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ق. ۱۱/۴۳۴)، جایگاه آن در خانواده کمتر بررسی شده است. ناسازگاری همسران از آسیب‌های مهم در خانواده است. همسران ناسازگار از عادات و شخصیت همسر خود ناراضی بوده و در حوزه‌های گوناگون مشکل ارتباطی دارند (فاورزو، و السون، ۱۹۹۲). از این رو، حیا در تنظیم رفتار همسران نیز دخیل است و با ناسازگاری‌های زناشویی ارتباط دارد.

جامعه مدرن امروز به برداشتن حریم‌هایی رو آورده که حضور آنها برای تنش‌زدایی در خانواده مؤثر است. الگوی حیا در خانواده‌ها می‌تواند از پیش‌بین‌های اختلاف باشد که هم برای پیشگیری و هم برای درمان تعارض، راه را هموار می‌کند.

از جمله آسیب‌های ناسازگاری‌های زناشویی گرایش زنان و مردان متأهل به روابط جنسی نامشروع است (شیردل، ۱۳۸۵) و تحقیقی که در سبزواری انجام شد نشان داد ۱۵٪ از خودکشی‌ها به دلیل ناسازگاری‌های زناشویی انجام می‌شود (شگرف‌نخی، ۱۳۸۷).

«حیا» در لغت به معنی شرمساری و خجالت است که در مقابل آن «وقاحت» و بی‌شرمی قرار دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق. ۵۱/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق.؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷/۱، ۳۹۱). حیا، عبارت است از انقباض (گرفتگی) و انزوا (دوری‌گزینی) از کار زشت، به دلیل ترس از مذمت مردم (طریحی، ۱۴۰۸ هـ.ق. ۶۱۱/۱).

حیا در علم اخلاق، حصر (محصور شدن) نفس و انفعال آن در ارتکاب حرام‌های شرعی و عقلی و عرفی، به دلیل ترس از سرزنش و نکوهش مردم تعریف می‌شود (نراقی، ۱۳۸۳، ۴۶/۳). در روان‌شناسی نیز «حیا»، انفعالی ناشی از کمال اخلاقی است و بی‌حیا، کسی است که خودنگهداری در ناحیه مادی یا روحی یا اخلاقی ندارد (بنیش، ۲۰۰۳). با بررسی آیات و روایات می‌توان گفت حیا، مهار نفس از ارتکاب قبیح به دلیل حضور ناظر محترم است (پسندیده، ۱۳۸۶). حیا با کم‌رویی متفاوت است. حیا یعنی، شرم از انجام کار قبیح، ولی کم‌رویی، شرم از

انجام دادن کار نیک به دلیل حضور و نظارت دیگران است (پسندیده، ۱۳۸۱). پس موضوع حیا «فعل قبیح» است و موضوع کم‌رویی «فعل حسن» (پسندیده، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر حیا با «عفت» نیز مترادف نیست؛ چراکه عفت، ثمره نیروهای مهارکننده و نظم‌دهنده‌ای است که یکی از آنها حیا است. دیگر اینکه عفت، محدود به قلمرو شهوت (شامل عفت مالی و جنسی) در معنای عام آن است، حال آنکه حیا در همه زمینه‌ها کاربرد دارد (پسندیده، ۱۳۸۶).

۱-۱. انواع حیا

۱-۱-۱. حیای منفی (غیرعاقلانه)

خاستگاه حیای منفی، ناتوانی درونی و دل‌مشغولی‌های نفسانی و فردی است (گلزاری، ۱۳۷۹). حیای منفی دو مؤلفه دارد عبارتند از:

الف) حیای کم‌رویی و بی‌جراتی که به معنای کم‌رویی، نداشتن قاطعیت و خجالت کشیدن از ابراز وجود است. (پسندیده، ۱۳۸۶)

ب) حیای خودخواهی و تکلف که به معنای انجام ندادن بعضی از کارها، به زبان نیاوردن برخی تقاضاها از روی کبر و عجب، نشان دادن چهره مطلوب از خود حتی از راه‌های نادرست، پوشاندن ضعف‌ها، اغراق در توانایی‌ها و نداشتن تواضع و فروتنی است. (پسندیده، ۱۳۸۶)

۱-۱-۲. حیای مثبت (عاقلانه)

حیای مثبت صفت و حالتی است که انسان را از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق و قانون باز می‌دارد. (پسندیده، ۱۳۸۶) حیای مثبت، ریشه در خردمندی و دینداری دارد و از قدرت اراده ناشی می‌شود که شامل پنج مؤلفه و خرده‌مقیاس است که عبارتند از: حیا از خداوند، حیای کرامت، حیا از خود (وجدان اخلاقی)، حیا از انجام خطا و کار ناشایست (خطاهای غیرجنسی)، حیای از برهنگی و خطاهای جنسی (فروتن، ۱۳۹۱).

از نظر رایس (۱۹۹۶) پترسون، هوپس و ویس (۱۹۷۵)، ناسازگاری زناشویی نوعی ارتباط زناشویی است که در آن، رفتارهای خشونت‌آمیز مثل توهین و سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و همسران در آن، نسبت به یکدیگر احساس خصومت، کینه و خشم داشته، هریک عقیده دارد که همسرش، انسان نامطلوب و ناسازگاری است که موجب رنجش و عذاب او

می شود. پس ناسازگاری زناشویی دارای سه عنصر است:

عنصر شناختی: عقیده به نامطلوب بودن همسر و رنجش آور بودن وی؛

عنصر عاطفی: احساس دشمنی و خشم و کینه نسبت به همسر؛

عنصر رفتاری: خشونت کلامی مانند توهین و سرزنش و انتقاد؛ و خشونت غیرکلامی مانند

حمله فیزیکی.

تاکنون تحقیقات مختلفی درباره ناسازگاری های زناشویی انجام شده است. در دسته بندی کلی پژوهش های ناسازگاری همسران، برخی پژوهش ها فقط به ارایه توصیفی از فراوانی ناسازگاری های موجود پرداخته اند (منصور، وادیب راد، ۱۳۸۳). برخی نیز برای کشف عوامل ناسازگاری زناشویی انجام شده است (محسن زاده، ۱۳۹۰؛ مولوی، ۱۳۸۱). ولی بسیاری از پژوهش ها مؤلفه های همبسته با ناسازگاری های زناشویی را بررسی کرده است. متغیرهای شناسایی شده که دارای همبستگی با ناسازگاری زناشویی یا رضامندی زناشویی است، در چند دسته جای می گیرند. برخی مؤلفه ها مربوط به فرزندان است (سودمند، ۱۳۸۸؛ فتحی، و خاک رنگین، ۱۳۸۸) و برخی محققان، همبستگی بین نارسایی های جسمانی را با ناسازگاری سنجیده اند (نجفی، ۱۳۸۷؛ زارعی، ۱۳۸۵). برخی تحقیقات رابطه ویژگی های شخصیتی و ناسازگاری زناشویی را بررسی کرده است (فاتحی زاده، ۱۳۹۰؛ طاهری زاده، ۱۳۹۰) و گروهی دیگر شیوه های درمانی و مداخله در ناسازگاری زناشویی را سنجیده اند (بوستانی پور، ۱۳۸۶؛ منصورى نیا، ۱۳۹۱؛ حسن آبادی، ۱۳۹۱). صفت حیا و آثار آن در زندگی زناشویی همسران (حسین زاده، ۱۳۸۹) یا همه اعضای خانواده (امینی، ۱۳۸۸) نیز بررسی شده است. این پژوهش ها که با پژوهش حاضر، تشابه دارند، اثربخشی حیا در کلیت روابط خانوادگی را مطالعه کرده است.

در پژوهش رجبی (۱۳۸۵) نقش حیا در سلامت روان زنان بررسی شده که با اشاره به آیات و روایات و دیدگاه های زیست شناسی، روان شناسی و جامعه شناسی به این نتیجه رسیده است که حیاى زن در سلامت روانی وی تأثیر بسیاری دارد.

از جمله پژوهش های کمی در مورد «حیا»، ساخت و اعتباریابی آزمون حیا است (گلزاری،

۱۳۷۹)؛ بررسی های گلزاری (۱۳۷۹)، نشان داد که زنان بیش از مردان دارای خصوصیت کم رویی

و کم جرأتی اند.

حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی، با حیای منفی خودخواهی رابطه مثبت دارد. سازه‌های حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی و حیای منفی خودخواهی، با آنکه در ظاهر متناقض یکدیگرند، به دلیل وجود عناصر مشترک «ضعف نفس» و «کم‌ایمانی به باورهای دینی»، همبستگی مثبتی دارند. حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی با حیای کرامت، حیا از خود، حیا از برهنگی و خطاهای جنسی، حیا از انجام خطا و کار ناشایست، رابطه‌ای ندارد. بین حیای منفی خودخواهی و تکلف، با انواع حیای مثبت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. حیا از خداوند در زنان بیشتر از مردان است. در کسانی که حیا از خداوند دارند، نسبت به کسانی که این خصوصیت را ندارند، حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی، حیای منفی خودخواهی و تکلف، کمتر دیده می‌شود. (گلزاری، ۱۳۷۹)

«حیا از خود» در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است و با حیای کرامت، رابطه معنادار مثبت و با حیای خودخواهی و تکلف رابطه معنادار منفی دارد. حیای کرامت زنان به گونه‌ای معنادار از مردان بیشتر است و رابطه بین حیای کرامت با حیای خودخواهی نیز منفی و معنادار است، ولی رابطه بین حیای کرامت با سایر حیاها مثبت و معنادار است (گلزاری، ۱۳۷۹). این نتایج با برخی از روایات اسلامی که می‌فرماید: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ [شَهْوَتُهُ] شَهْوَاتُهُ؛ کسی که دارای کرامت نفس باشد، شهوت‌ها پیش او خوار و کم‌ارزش می‌گردد» (سید رضی، ۱۴۱۴ هـ.ق)، مطابقت دارد.

حیا از برهنگی و خطاهای جنسی در زنان بیشتر از مردان است (فروتن، ۱۳۹۱؛ گلزاری، ۱۳۷۹). فروتن (۱۳۹۱) با استفاده از آزمون حیا به این نتیجه رسید که بین عقل و حیا در میان طلاب زن و مرد، همبستگی مثبت وجود دارد.

پژوهش‌های مربوط به حیا بیشتر روشی کیفی داشته‌اند. حسین‌زاده (۱۳۸۹) ضمن معرفی انواع عفت و حیا، با توجه به پیامدها و آثاری که به دنبال دارد، شاخص حیا را از مؤثرترین مؤلفه‌ها برای رسیدن به آرامش در زندگی زناشویی دانسته است. در میان انواع عفت، عفت در روابط جنسی، نقشی بی‌بدیل در آرامش زندگی دارد. عفت در موارد زیادی ممکن است با حیا همراه باشد؛ چراکه یکی از ثمرات و نمودهای حیا، عفت است (عباسی‌آغوی، ۱۳۹۳).

حسین‌زاده (۱۳۸۹) حیا را دارای آثاری می‌داند که سبب می‌شود در سازگاری همسران مؤثر

باشد: وفاداری به همسر، احساس نیاز به همسر، محبت، ایجاد و تثبیت احترام و موقعیت. تحقیقات متعدد (شیوتا، ولونسون، ۲۰۰۷؛ لوی، وکلوهن، ۲۰۰۵؛ هراتیان، ۱۳۹۲) بر این نکته تأکید دارند که رضایت و تعارض‌های زناشویی بیشترین تأثیر را از ویژگی‌های شخصیتی دریافت می‌کند. حیا که متغیر پیش بین در این پژوهش است، ویژگی‌ای شخصیتی است.

برای حفظ ثبات نهاد خانواده، عفت و حیای همسران مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. حیا و عفاف در خانواده اتصال زن و مرد را به یکدیگر بیشتر و کانون خانواده را مستحکم‌تر خواهد کرد. (وفایی، ۱۳۹۰) بر این اساس، همان‌گونه که حیای مثبت برای زن و در پی آن - خانواده مفید خواهد بود، حیای منفی و خجالت در جایی که شایسته نیست، نامطلوب خواهد بود.

حیا در حوزه خانواده در منابع دینی دارای مصادیقی است. حیا از اشتباه، شرم از درخواست، حیا در روابط با دیگران و شرم در اختلاف از این موارد است. رابطه همسران اگر بر مبنای حیا - و نه ترس یا طمع - باشد، وقار در رفتار و ادب در گفتار از ویژگی‌های این رابطه خواهد بود (پسندیده، ۱۳۸۶) که کاهش اختلافات را در پی خواهد داشت.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش بود که آیا بین حیای همسران و ناسازگاری‌های زناشویی همبستگی وجود دارد؟ همچنین به پرسش‌های زیر نیز پاسخ داده است - حیا با چه حوزه‌هایی از ناسازگاری زناشویی، رابطه بیشتری دارد؟ - آیا میان میزان رابطه حیای زن و حیای مرد با ناسازگاری‌های زناشویی، تفاوت معناداری وجود دارد؟

- آیا بین شرم و خجالت (حیای منفی) و ناسازگاری‌های زناشویی رابطه معناداری هست؟

۲. روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی، انجام شده است. جامعه آماری، تمامی همسرانی که در سال ۹۲-۹۳ حداقل یک فرزند پسر در مدارس ابتدایی دولتی شهر قم داشتند، بود. از این میان، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۱۴۰ نفر (۷۵ زن و ۶۵ مرد) داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. با توجه به زیاد بودن پرسش‌ها و حساسیت موضوع، پرسش‌نامه‌های

تعارضات زناشویی و حیا به صورت «پست- جواب قبول» به دست محقق رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون کلموگروف اسمیرونوف (برای توزیع نرمال)، آزمون ویلکاکسون، آزمون f، آزمون t (برای برابری میانگین)، آزمون لوین (برای برابری واریانس)، آزمون تکمیلی یا تعقیبی توکی (در فرض برابری واریانس‌ها) و آزمون تکمیلی دانت سی (در فرض نابرابری واریانس‌ها) استفاده شد و نتایج با ورود اطلاعات در نرم‌افزار آماری spss به دست آمد.

۱-۲. ابزار پژوهش

۱-۱-۲. پرسش‌نامه تعارضات زناشویی MCQ-R

در این مورد، پرسش‌نامه ۵۴ سؤالی ثنائی (۱۳۸۷) توسط نمونه‌ها پاسخ داده شد. اعتبار آن با اجرا بر روی گروهی ۲۷۰ نفری بر اساس آلفای کرونباخ ۰,۹۶ محاسبه شده است. آلفای کرونباخ برای هر هشت خرده‌مقیاس این پرسشنامه عبارتند از: کاهش همکاری ۰,۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰,۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰,۷۰، افزایش جلب حمایت فرزند ۰,۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰,۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰,۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰,۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰,۶۹ (ثنائی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، اعتبار این پرسش‌نامه دوباره مورد آزمون قرار گرفت. آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه در زن‌ها و مرد‌ها به ترتیب ۰/۸۵۷ و ۰/۷۹۷ به دست آمد که با توجه به نزدیکی ارقام به عدد یک، اعتبار خوبی را نشان می‌دهد. (عباسی آغوی، ۱۳۹۳). لازم به ذکر است بر اساس هنجار پرسش‌نامه تعارضات زناشویی، مردان و زنانی که نمره کلی تعارض زناشویی آنان بین ۷۹ تا ۱۴۹ قرار دارد، روابط زناشویی بهنجاری را تجربه می‌کنند. همسرانی که نمره خام تعارض کلی آنها بین ۱۵۰ تا ۱۸۷ قرار دارد، دارای تعارض بیش از حد هستند و آنانی که ۱۸۷ و بیش از آن باشند دارای تعارض شدیدند (ثنائی، ۱۳۸۷).

۲-۱-۲. پرسشنامه سنجش حیا

برای اندازه‌گیری حیای همسران از آزمون دویست ماده‌ای حیا (گلزاری، ۱۳۷۹) استفاده شد. این پرسش‌نامه هفت مؤلفه دارد: «حیای منفی» که خود شامل دو مؤلفه «حیای کم‌رویی»

و بی‌جراتی و «حیای خودخواهی و تکلف» است، حیای مثبت که شامل پنج مؤلفه است: حیا از خود (وجدان اخلاقی)، «حیا از خداوند»، «حیای کرامت»، «حیا از انجام خطا و کار ناشایست (خطاهای غیر جنسی)»، «حیا از برهنگی و خطاهای جنسی». (گلزاری، ۱۳۷۸)

به منظور روایی محتوای پرسش‌نامه حیا، از نظرداده‌ها نمرات علمی‌ها استفاده شده است. میانگین نظرات کارشناسان، فاصله نزدیکی با هم دارند و این مسأله از روایی محتوایی این پرسش‌نامه حکایت دارد. میزان اعتبار این پرسش‌نامه به شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای خرده‌مقیاس‌های حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی ۰/۷۱۷، حیای منفی خودخواهی و تکلف ۰/۵۷۴، حیا از خداوند ۰/۷۷۱، حیای کرامت ۰/۵۷۲، حیا از خود ۰/۸۲۳، حیا از انجام خطا و کارهای ناشایست ۰/۶۳۴، حیا از برهنگی و خطاهای جنسی به ترتیب در پسران و مردان مجرد، دختران و زنان مجرد، مردان متأهل و زنان متأهل ۰/۹۱۰، ۰/۹۱۲، ۰/۹۳۳ و ۰/۹۱۸ به دست آمده است.

به منظور تعیین اعتبار این پرسش‌نامه از روش دونیمه‌سازی نیز استفاده شد. نتایج به دست آمده با روش دونیمه‌سازی برای خرده‌مقیاس‌های حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی ۰/۵۵۰، حیای منفی خودخواهی و تکلف ۰/۳۶۴، حیا از خداوند ۰/۶۷۰، حیای کرامت ۰/۳۸۰، حیا از خود ۰/۷۷۷، حیا از انجام خطا و کارهای ناشایست ۰/۴۱۲، حیا از برهنگی و خطاهای جنسی به ترتیب در پسران و مردان مجرد، دختران و زنان مجرد، مردان متأهل و زنان متأهل ۰/۷۷۰، ۰/۷۹۳، ۰/۸۷۵ و ۰/۸۳۵ به دست آمد. (گلزاری، ۱۳۷۹)

آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه تعارضات زناشویی در زن‌ها و مردها به ترتیب ۰/۸۵۷ و ۰/۷۹۷ و برای آزمون حیا در زن‌ها و مردها به ترتیب ۰/۸۶۸ و ۰/۹۱۲ بود. با توجه به نزدیکی ارقام به یک، آزمون‌ها پایایی خوبی را نشان داده‌اند.

جدول شماره ۱: جدول داده‌های توصیفی

متغیرها	تعداد نمونه	کمینه متغیرها	بیشینه متغیرها	میانگین متغیرها در کل	انحراف استاندارد کل	میانگین متغیرها در مردان (نفر ۶۵)	انحراف استاندارد در مردان	میانگین متغیرها در زنان (نفر ۷۵)	انحراف استاندارد در زنان
کم‌رویی	۱۴۰	۱۵,۰۰	۴۱,۰۰	۲۹,۰۷۳۶	۵,۱۹۴۱۸	۲۷,۱۶۴۹	۴,۶۴۷۷۸	۳۰,۷۲۷۹	۵,۱۰۱۱۰
حیای خودخواهی	۱۴۰	۱۵,۰۰	۴۶,۸۲	۲۴,۹۸۸۲	۴,۵۹۶۸۷	۲۵,۰۶۷۶	۴,۵۹۲۳۹	۲۴,۹۱۹۴	۴,۶۳۰۵۶
حیای منفی	۱۴۰	۳۲,۰۰	۷۷,۸۵	۵۴,۰۶۱۹	۷,۶۰۴۰۰	۵۲,۲۳۲۵	۷,۱۸۷۵۳	۵۵,۶۴۷۳	۷,۶۴۴۷۸
حیا از خود	۱۴۰	۲۵,۰۰	۷۸,۰۰	۴۷,۸۸۵۹	۶,۵۰۷۵۲	۴۶,۰۹۲۲	۷,۹۸۴۲۸	۴۹,۴۴۰۴	۴,۳۷۴۴۸
حیا از خدا	۱۴۰	۳۱,۰۰	۵۶,۰۰	۴۷,۷۷۹۶	۴,۳۱۳۰۸	۴۷,۲۵۶۸	۵,۰۸۰۸۲	۴۸,۲۳۲۶	۳,۴۸۸۳۴
حیای کرامت	۱۴۰	۴۴,۰۰	۸۶,۰۰	۶۸,۷۴۷۷	۶,۶۲۸۱۴	۶۷,۳۱۹۶	۷,۵۱۷۵۲	۶۹,۹۸۵۵	۵,۵۰۴۶۳
حیای از خطا	۱۴۰	۴۲,۰۰	۸۹,۰۰	۷۰,۴۳۵۷	۷,۵۹۱۵۸	۶۹,۳۳۱۵	۸,۸۷۲۸۱	۷۱,۳۹۲۷	۶,۱۷۸۰۰
حیای جنسی	۱۴۰	۱۴۴,۰۰	۳۲۲,۰۰	۲۵۷,۶۴۸۱	۳۹,۰۹۳۴۴	۲۲۰,۶۵۳۵	۱۷,۸۷۷۹۹	۲۸۹,۷۱۰۲	۱۸,۷۱۵۵۶
حیای مثبت	۱۴۰	۳۳۴,۰۰	۵۸۳,۰۰	۴۹۲,۴۹۷۰	۵۲,۵۶۶۶۲	۴۵۰,۶۵۳۶	۳۹,۶۸۹۹۰	۵۲۸,۷۶۱۴	۳۰,۹۳۸۸۱
کاهش همکاری	۱۴۰	۵,۰۰	۱۶,۰۰	۸,۴۹۶۵	۲,۵۵۲۳۸	۸,۸۷۱۲	۲,۷۱۳۹۷	۸,۱۷۱۸	۲,۳۷۴۱۲
کاهش رابطه جنسی	۱۴۰	۵,۰۰	۲۰,۰۰	۱۰,۴۲۴۸	۳,۳۰۶۳۵	۹,۹۱۹۷	۲,۹۸۴۶۲	۱۰,۸۶۲۵	۳,۵۲۳۰۵
افزایش واکنش‌های هیجانی	۱۴۰	۱۱,۰۰	۳۳,۰۰	۱۸,۹۷۳۲	۴,۰۲۵۹۶	۱۷,۹۹۳۲	۳,۶۹۱۴۳	۱۹,۸۲۲۶	۴,۱۳۳۴۶
جلب حمایت فرزند	۱۴۰	۵,۰۰	۲۳,۰۰	۹,۸۹۳۵	۲,۹۶۵۹۴	۹,۲۸۱۰	۲,۷۳۳۲۹	۱۰,۴۲۴۳	۳,۰۷۳۶۵
کاهش رابطه با خویشان همسر و دوستان	۱۴۰	۶,۰۰	۲۰,۳۸	۸,۶۸۳۰	۲,۹۵۱۶۱	۸,۱۸۶۴	۲,۵۰۰۲۷	۹,۱۱۳۳	۳,۲۴۸۶۳
کاهش رابطه با خویشاوندان خود	۱۴۰	۶,۰۰	۲۰,۰۰	۸,۸۰۵۱	۲,۹۲۹۷۱	۸,۷۴۹۸	۳,۰۱۶۰۱	۸,۸۵۳۰	۲,۸۷۳۳۶
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱۴۰	۷,۰۰	۲۹,۰۰	۱۳,۵۷۰۵	۳,۷۳۸۹۰	۱۴,۶۳۷۵	۳,۸۲۹۲۰	۱۲,۶۴۵۸	۳,۴۲۲۰۷
ارتباط مؤثر	۱۴۰	۱۶,۰۰	۵۱,۰۰	۲۷,۴۶۱۳	۵,۸۱۱۵۲	۲۵,۷۹۴۹	۴,۹۰۶۶۰	۲۸,۹۰۵۶	۶,۱۶۹۶۸
تعارض زناشویی (نمره کلی)	۱۴۰	۷۵,۳۶	۱۶۷,۴۷	۱۰۶,۳۰۷۹	۱۷,۸۹۶۹۰	۱۰۳,۴۳۳۸	۱۵,۹۳۳۳۳	۱۰۸,۷۹۸۹	۱۹,۱۹۲۹۳

باتوجه به جدول شماره «۱» کمرویی در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است. حیای منفی در زنان به طور معناداری از حیای منفی در مردان بیشتر است. متغیر حیا از خود در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است. متغیر حیای کرامت نیز در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است. میانگین حیای جنسی در زنان به طور معناداری از میانگین حیای جنسی در مردان بیشتر است. همچنین میانگین حیای مثبت در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است. در سایر متغیرهای حیا؛ یعنی حیای خودخواهی، حیا از خدا و حیا از خطا، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مردان و زنان نیست.

افزایش واکنش‌های هیجانی در زنان به طور معناداری بیش از مردان است. افزایش جلب حمایت فرزند در زنان به طور معناداری بیش از مردان است. جدا کردن امور مالی در مردان به طور معناداری بیش از زنان است. کاهش ارتباط مؤثر در زنان به طور معناداری بیش از مردان است. در سایر متغیرهای تعارض زناشویی از جمله نمره کلی تعارض زناشویی تفاوت معناداری میان مردان و زنان مشاهده نشد.



جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای حیا و ناسازگاری زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	
کم‌رویی	۱																		
حیای خودخواهی	.۲۰۳*	۱																	
حیای منفی	.۸۰۶**	.۷۴۳**	۱																
حیا از خود	-.۰۴۴	-.۳۱۲**	-.۲۱۸**	۱															
حیا از خدا	-.۱۲۳	-.۳۶۸**	-.۳۰۷**	.۶۲۴**	۱														
حیای کرامت	.۱۱۳	-.۲۲۴**	-.۰۵۸	.۴۶۵**	.۳۹۰**	۱													
حیای از خطا	.۰۷۴	-.۱۱۸	-.۰۲۱	.۵۴۳**	.۴۹۱**	.۶۳۶**	۱												
حیای جنسی	.۱۳۱	-.۱۷۷*	-.۰۱۸	.۶۶۰**	.۵۵۰**	.۵۸۴**	.۵۷۹**	۱											
حیای مثبت	.۰۸۶	-.۲۵۵**	-.۰۹۶	.۷۹۰**	.۶۸۴**	.۷۴۳**	.۷۷۲**	.۹۳۳**	۱										
کاهش همکاری	.۱۰۸	.۴۱۰**	.۳۲۳**	-.۳۴۸**	-.۲۷۹**	-.۱۵۰	-.۰۹۵	-.۲۵۶**	-.۲۷۵**	۱									
کاهش رابطه جنسی	.۲۵۳**	.۲۲۳**	.۳۰۸**	.۰۰۳	-.۱۲۷	.۰۸۱	.۱۰۷	.۰۱۹	.۰۸۰	.۲۴۷**	۱								
افزایش واکنش‌های هیجانی	.۰۹۲	.۲۳۶**	.۲۰۵*	-.۱۲۴	-.۲۴۳**	.۰۶۷	-.۰۳۱	-.۰۵۲	-.۰۷۰	.۴۰۵**	.۳۳۰**	۱							
جلب حمایت فرزند	.۲۰۰*	.۳۷۹**	.۳۶۶**	-.۱۳۱	-.۲۴۷**	.۰۰۲	-.۱۰۰	-.۰۷۰	.۲۹۱**	.۳۱۳**	.۳۳۰**	۱						
کاهش رابطه با خویشان همسر و دوستان	.۱۶۷*	.۲۵۸**	.۲۷۰**	-.۱۸۱*	-.۱۹۱*	-.۰۶۶	-.۰۵۹	-.۰۹۷	-.۱۲۷	.۴۸۱**	.۲۹۴**	.۴۲۷**	.۳۷۰**	۱					
افزایش رابطه با خویشاوندان خود	-.۰۱۲	.۰۶۹	.۰۳۴	-.۳۵۶**	-.۲۷۰**	-.۲۹۱**	-.۲۴۳**	-.۳۳۸**	-.۳۷۳**	.۴۲۶**	.۱۶۴	.۳۰۶**	.۱۶۳	.۴۹۹**	۱				
جداکردن امور مالی	.۰۴۰	.۰۹۸	.۰۸۶	-.۱۷۳*	-.۰۴۲	-.۰۴۹	-.۰۷۴	-.۲۴۸**	-.۱۹۳*	.۳۱۹**	.۱۰۰	.۱۴۶	.۱۳۶	.۲۷۲**	.۲۹۶**	۱			
کاهش ارتباط مؤثر	.۲۷۰**	.۱۹۷*	.۳۰۴**	.۰۴۱	-.۱۴۷	.۱۰۷	-.۰۲۳	.۰۹۲	.۰۵۵	.۳۴۱**	.۴۰۱**	.۵۱۴**	.۲۸۸**	.۴۳۸**	.۲۶۴**	.۰۶۹	۱		
تعارض زناشویی (کلی)	.۲۳۸**	.۳۵۴**	.۳۷۶**	-.۲۱۰*	-.۲۹۱**	-.۰۲۵	-.۰۹۰	-.۱۲۱	-.۱۵۶	.۶۵۴**	.۵۷۳**	.۷۱۸**	.۵۵۱**	.۷۲۶**	.۵۸۰**	.۴۴۴**	.۷۴۱**	۱	

جدول شماره «۲» نشان می‌دهد که بین متغیرهای حیا از خود و حیا از خدا با حیای منفی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. بین بیشتر زیرمجموعه‌های حیای مثبت همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد که خود نشان اعتبار تست است؛ چنانکه بین دو نوع حیای منفی؛ یعنی کم‌رویی و خودخواهی رابطه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. بین حیای منفی خودخواهی با تمام انواع حیای مثبت و خود حیای مثبت غیر از حیای از خطا، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

بین حیای منفی کم‌رویی و هیچ‌یک از انواع حیای مثبت، رابطه معناداری به دست نیامد. بین متغیر کاهش همکاری همسران با حیای منفی و نیز حیای خودخواهی و تکلف، رابطه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. بین حیای از خود، حیای از خدا، حیای جنسی و حیای مثبت با متغیر کاهش همکاری، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. بین متغیر کاهش رابطه جنسی با متغیر حیای منفی و دو زیرمجموعه‌اش (کم‌رویی و خودخواهی) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ یعنی حیای منفی همراه با کاهش رابطه جنسی است.

بین متغیر افزایش واکنش‌های هیجانی و متغیر حیای خودخواهی و حیای منفی، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. بین این متغیر با متغیر حیای از خدا رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ یعنی بالا رفتن حیا از خدا با کاهش واکنش‌های هیجانی در همسران همراه است. متغیر افزایش جلب حمایت فرزند از این جهات همانند واکنش‌های هیجانی است. متغیر کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان با متغیر حیای منفی و زیرمجموعه‌هایش رابطه مثبت و معنادار دارد. در حالی که رابطه این متغیر با حیا از خود و حیا از خدا، منفی و معنادار است.

متغیر افزایش رابطه با خویشاوندان خود، همبستگی معناداری با حیای منفی ندارد، ولی با حیای مثبت و تمام زیرمجموعه‌های پنج‌گانه‌اش همبستگی منفی و معنادار دارد. متغیر جدا کردن امور مالی با متغیرهای حیا از خود، حیای جنسی و حیای مثبت همبستگی منفی و معنادار دارد.

بین متغیر کاهش ارتباط مؤثر، با متغیر حیای منفی و دو زیرمجموعه‌اش رابطه همبستگی

مثبت و معنادار وجود دارد.

متغیر تعارض زناشویی با متغیر حیای منفی و دو زیرمجموعه‌اش رابطه همبستگی مثبت و معنادار دارد؛ یعنی هرچه حیای منفی بالا برود، نمره تعارض زناشویی در همسران افزایش می‌یابد. تعارض زناشویی با متغیر حیا از خود (در سطح معناداری پنج درصد) و با متغیر حیا از خدا (در سطح معناداری یک درصد) همبستگی منفی و معنادار دارد؛ یعنی بالاتر رفتن نمره حیا از خود و حیا از خدا با پایین آمدن نمره تعارض زناشویی در همسران همراه است. بین تعارض زناشویی و تمام هشت متغیر زیرمجموعه‌اش رابطه همبستگی مثبت و معنادار (در سطح معناداری یک درصد) وجود دارد که خود نشان اعتبار آزمون است.

۱-۳. مقایسه بین همبستگی بین برخی متغیرها در زنان و در مردان

وقتی حیای منفی در مردان بالا می‌رود، کاهش رابطه جنسی نیز بیشتر می‌شود، ولی در زنان چنین رابطه‌ای نیست. بین حیای منفی و تعارض زناشویی، هم در مردان و هم در زنان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.

بین متغیرهای حیا از خود، حیا از خدا، حیای مثبت و حتی حیای جنسی با کاهش رابطه جنسی همبستگی وجود ندارد؛ یعنی ممکن است فردی حیای خوبی داشته باشد، ولی کاهش رابطه جنسی با همسرش را نیز تجربه نکند.

بالا رفتن حیا از خود، هم در مردان و هم در زنان همراه با پایین آمدن نمره تعارض زناشویی است، ولی در حیا از خدا، بالا رفتن این متغیر فقط در زنان همراه با کاهش معنادار متغیر تعارض زناشویی است و در مردان چنین همبستگی‌ای به دست نیامد.

حیای جنسی در مردان، رابطه معناداری با تعارض زناشویی نشان نداد، ولی این متغیر در زنان با تعارض زناشویی، همبستگی منفی و معنادار دارد؛ یعنی هرچه حیای جنسی در زنان بالا برود، تعارض زناشویی پایین می‌آید.

همین موضوع در حیای مثبت نیز صادق است؛ بدین معنا که اگرچه در مردان، رابطه معناداری بین حیای مثبت و تعارض زناشویی نیست، ولی در زنان با بالا رفتن نمره حیای مثبت، نمره تعارض زناشویی به مقدار معناداری پایین می‌آید.

جدول شماره ۳: مقایسه همبستگی متغیرها در مردان و زنان

همبستگی متغیرها در مردان		
متغیر	کاهش رابطه جنسی	تعارض زناشویی
حیای منفی	.۳۸۷**	.۳۲۳**
حیای از خود	-.۱۰۴	-.۲۹۵*
حیای از خدا	-.۱۲۱	-.۲۲۶
حیای جنسی	.۰۷۴	-.۱۰۶
حیای مثبت	.۰۳۸	-.۱۶۰
همبستگی متغیرها در زنان		
متغیر	کاهش رابطه جنسی	تعارض زناشویی
حیای منفی	.۲۱۷	.۳۷۹**
حیای از خود	.۰۴۹	-.۲۶۱*
حیای از خدا	-.۱۸۳	-.۴۳۱**
حیای جنسی	.۰۳۶	-.۳۰۱**
حیای مثبت	.۰۲۷	-.۳۱۳**

۴. بحث و نتیجه‌گیری

برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش که آیا میان حیای (مثبت) همسران و ناسازگاری زناشویی رابطه وجود دارد یا خیر، باید گفت که این فرضیه تا حدود زیادی تأیید شد. اگرچه تمام مؤلفه‌های حیای مثبت با ناسازگاری زناشویی همبستگی نداشت، دو مورد از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیای مثبت؛ یعنی حیا از خدا (در سطح معناداری یک درصد) و حیا از خود (در سطح معناداری پنج درصد) همبستگی منفی و معنادار با ناسازگاری زناشویی داشتند؛ یعنی هرچه زن و مرد از خود و از خداوند حیای بیشتری داشته باشند، ناسازگاری کمتری را تجربه می‌کنند. این یافته با نظر حسین زاده (۱۳۸۹) مبنی بر اینکه شاخص حیایکی از مؤثرترین مؤلفه‌ها برای رسیدن به آرامش در زندگی زناشویی است، هماهنگ است.

در تبیین این یافته، می‌توان گفت حیا دارای چند پیامد است که در روابط زناشویی و کاهش ناسازگاری‌های آن تأثیرگذار است؛ وفاداری به همسر، احساس نیاز به همسر، محبت، ایجاد و تثبیت احترام و موقعیت (حسین‌زاده، ۱۳۸۹).

یکی از تبیین‌ها درباره رابطه حیا از خدا و ناسازگاری‌های زناشویی آن است که منشأ برخی اختلاف نظرها و ناسازگاری‌ها، توقع نابجا و خارج از حد توان همسر است. حیا باعث می‌شود که فرد، چنین توقع‌ها و درخواست‌هایی را کنار بگذارد. در روایات آمده است که حضرت علی علیه السلام از همسرشان حضرت فاطمه علیها السلام درخواست غذا می‌کند و ایشان می‌فرماید چند روز است که در خانه غذایی نیست. وقتی حضرت علی علیه السلام می‌پرسد که چرا به من اطلاع ندادی، حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «یا اباالحسن انی كنت استحي من الهی من ان اتكلف نفسک ما لا تقدر علیه؛ من از پروردگار خودم شرم می‌کنم که از تو چیزی بخواهم که در توانت نباشد» (کوفی قاضی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱/۲۰۱).

اختلافات همسران، نخستین تأثیر خود را در حیای آنان نشان می‌دهد. معمولاً سخن گفتن، کلمات مورد استفاده، نوع نگاه و رفتار تغییر می‌کند و ممکن است حالت بی‌شرمانه‌ای به خود بگیرد. ممکن است مسئله اختلاف از قلمرو زن و شوهر به محدوده خانواده نیز کشیده شود و یا از قلمرو خانواده خارج شود و به اطلاع همسایه‌ها یا اقوام برسد. همسران باحیا، هنگام اختلاف، نه از کلمات ناشایست استفاده می‌کنند و نه رفتارهای ناشایست از آنان سر می‌زند. از سویی، فاش ساختن اسرار خانواده و افشاگری علیه همسر، چون موجب عمومی شدن مشکل می‌شود این رفتار باعث می‌شود فشار روانی از سوی دیگران نیز وارد شود که خود، موجب افزایش تنیدگی می‌گردد. از سوی دیگر ممکن است برطرف کردن آن را مشکل‌تر سازد و یا آبروی طرف مقابل و بلکه آبروی زندگی زناشویی به مخاطره افتاده، خانواده را کم اعتبار سازد (پسندیده، ۱۳۸۶). همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب شکایت یکی از دخترانشان از همسرش فرمود: «إقنی حیائک؛ فما أقبح بالمرأة ذات حسب و دین فی کل یوم تشکو زوجها؛ جامه حیا بگیر! چه زشت است برای زنی دارای منزلت اجتماعی و دین که هر روز از همسر خود شکایت کند» (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۳/۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۲/۱۶۱).

مؤید این مطلب، این یافته پژوهش است که متغیر کاهش رابطه با خویشاوندان همسر

و دوستان با متغیرهای حیا از خود و حیا از خدا، منفی و معنادار است. وقتی حیا از خود و حیا از خدا در همسران بالا باشد، اختلاف نظرهای خود را به خارج از خانواده تسری نداده، روابط با خویشان همسر و دوستان را کم نمی‌کنند و این کار به حل زودتر مشکلات کمک خواهد کرد.

همان طور که متغیر افزایش رابطه با خویشاوندان خود همبستگی معناداری با حیای منفی ندارد، ولی با حیای مثبت و تمام زیرمجموعه‌های پنج‌گانه‌اش همبستگی منفی و معنادار دارد. یعنی افزایش حیای مثبت با کاهش رابطه غیرطبیعی با خویشان خود در زمان اختلافات همراه خواهد بود. این مسأله نیز باعث می‌شود فاصله همسران از یکدیگر بیشتر نشده و اسرار خانواده نیز بهتر حفظ می‌شود و ناسازگاری را کاهش خواهد داد.

بین حیای از خود، حیای از خدا، حیای جنسی و حیای مثبت با متغیر کاهش همکاری همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. افرادی که حیای مثبت بالایی دارند، کاهش همکاری با همسر را امری ناپسند شمرده از انجام آن شرم دارند.

بین متغیر افزایش واکنش‌های هیجانی با متغیر حیای از خدا رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ یعنی بالا رفتن حیای از خدا همراه است با کاهش واکنش‌های هیجانی در همسران. حیا نوعی سازه بازدارنده است و جنبه پرهیزی و خودکنترلی دارد، از این رو وقتی حیای مثبت بالا برود فرد با خودکنترلی بیشتر، واکنش‌های هیجانی کمتری در برابر همسر خود نشان می‌دهد و این یکی از تبیین‌هایی است که همبستگی منفی و معنادار بین حیای از خدا و ناسازگاری زناشویی را توجیه می‌کند.

پاسخ به پرسش فرعی دیگر مبنی بر اینکه که آیا بین حیای منفی و زیرمجموعه‌هایش با ناسازگاری زناشویی و زیرمجموعه‌هایش رابطه هست یا خیر؟ متغیر تعارض زناشویی با متغیر حیای منفی و دو زیرمجموعه‌اش (حیای کم‌روبی و حیای خودخواهی) رابطه مثبت و معنادار دارد. یعنی، با افزایش حیای منفی، تعارض زناشویی نیز افزایش می‌یابد. برای تبیین این یافته می‌توانیم از یافته‌های دیگر که رابطه بین زیرمجموعه‌های ناسازگاری زناشویی را با حیای منفی بیان می‌کند استفاده کنیم.

بین متغیر کاهش همکاری همسران با حیای منفی و نیز حیای خودخواهی و تکلف رابطه

همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. این بدین معنا است که افراد خودخواه، چون به جز خودشان به چیزهای دیگر کمتر فکر می‌کنند، همکاری آنها با همسرشان کاهش یافته، ناسازگاری زناشویی افزایش خواهد یافت.

بین متغیر افزایش واکنش‌های هیجانی و متغیر حیای خودخواهی و حیای منفی همبستگی معنادار وجود دارد. افرادی که حیای خودخواهی بالایی دارند دچار نوعی خودمحوری بوده، واکنش‌های هیجانی آنها افزایش می‌یابد که در ناسازگاری زناشویی تأثیر خواهد داشت.

بین متغیر کاهش رابطه جنسی با متغیر حیای منفی و دوزیرمجموعه‌اش (کمروبی و خودخواهی) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. یعنی، حیای منفی همراه با کاهش رابطه جنسی است. کم‌رویی مانعی برای ارتباط بهنجار جنسی با همسر است و فرد نمی‌تواند به خوبی نیازهای خود را ابراز نموده و یا نیازهای طبیعی همسرش را تأمین نماید. این امر اثرگذار در ناسازگاری‌های زناشویی خواهد شد. خودخواهی و تکلف نیز گاهی برای فرد چنین تصویری ایجاد می‌کند که من به همسر نیاز ندارم و برای خود کسر شأن می‌داند که نیازهای طبیعی و غریزی‌اش را بیان نماید و از دیگر سو چون دچار خودمیان‌بینی است به نیازهای همسرش نیز توجه کافی ندارد.

بین متغیرهای حیای از خود، حیای از خدا، حیای مثبت و حتی حیای جنسی با کاهش رابطه جنسی هیچگونه همبستگی وجود ندارد. یعنی می‌تواند فرد حیای از نوع خوب داشته باشد، ولی کاهش رابطه جنسی با همسرش را نیز تجربه نکند.

بین متغیر کاهش ارتباط مؤثر، با متغیر حیای منفی و دوزیرمجموعه‌اش رابطه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. روشن است که هم کم‌رویی و هم خودخواهی مانع ارتباط مؤثر با همسر است و این امر زمینه‌ساز و همراه با ناسازگاری زناشویی خواهد بود. خجالت و شرم و نیز تکلف و خودمحوری هر دو از برقراری یک ارتباط سازنده و بهنجار جلوگیری می‌کند.

این یافته‌ها درباره حیای منفی همسو با این روایت امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «بهترین زنان شما کسی است که چون با همسرش خلوت کند، جامه حیا از خود برکند و چون بیوشد و همراه او شود، زره حیا را بر تن نماید». (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۵/۲۳۴)

از جمله یافته‌های فرعی پژوهش می‌توان موارد زیر را بر شمرد:

حیای منفی کم‌رویی و بی‌جراتی با حیای منفی خودخواهی، رابطه مثبت دارد و این با یافته‌های گلزاری (۱۳۷۹) همسو است. که به دلیل وجود عناصر مشترک «ضعف نفس» و «باورهای دینی ضعیف» است.

بین حیای منفی خودخواهی با تمام انواع حیای مثبت و خودحیایی مثبت غیر از حیای از خطا، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. این یافته با یافته گلزاری (۱۳۷۹) همسو است غیر از آنکه در پژوهش وی بین این نوع از حیای منفی با حیای از انجام کار ناشایست و خطای غیرجنسی نیز رابطه منفی و معنادار به دست آمده است. این شاید بدین جهت باشد که حیای مثبت نیاز به در نظر گرفتن ناظر محترم دارد، ولی افراد خودخواه و متکلف غیر از خود به کس دیگری توجه ندارند و از سویی به خاطر ضعف نفس، خود را نیز محترم نمی‌شمرند تا حیای از خود آنها بالا باشد.

بین حیای منفی کم‌رویی و هیچ یک از انواع حیای مثبت رابطه معناداری به دست نیامد و این با یافته‌های گلزاری (۱۳۷۹) همسو است، غیر از آنکه این عدم همبستگی در پژوهش وی بین کم‌رویی و حیای از خدا به دست نیامد.

همسو با بررسی‌های انجام گرفته توسط گلزاری (۱۳۷۹)، به این نتیجه رسیدیم که کم‌رویی در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است. این یافته با یافته فروتن (۱۳۹۱) ناهمسو است که البته نمونه‌های وی تنها در طلاب حوزه علمیه قم بوده است و میانگین حیای منفی مردان به طور معنادار بیش از زنان بوده است.

حیای منفی در زنان به طور معناداری از حیای منفی در مردان بیشتر است که این با یافته فروتن (۱۳۹۱) ناهمسو است؛ چرا که این شاخصه را در زنان و مردان به طور یکسان به دست آورده است. البته دلیلش آن است که نمونه‌های وی تنها طلاب بوده‌اند.

همسو با پژوهش گلزاری (۱۳۷۹) متغیر حیای از خود در زنان به طور معناداری از حیای از خود در مردان بیشتر است. بین زنان و مردان در حیای از خداوند تفاوت معناداری وجود ندارد. این ناهمسو با پژوهش گلزاری (۱۳۷۹) است که این مؤلفه را در زنان بیشتر از مردان می‌داند.

همسو با یافته گلزاری (۱۳۷۹) متغیر حیای کرامت در زنان به طور معناداری از حیای کرامت در مردان بیشتر است. این ناهمسو با یافته فروتن (۱۳۹۱) است که این متغیر را در طلاب مرد بیش از طلاب زن می‌داند.

همسو با پژوهش‌های گلزاری (۱۳۷۹) و فروتن (۱۳۹۱) میانگین حیای جنسی در زنان به طور معناداری از میانگین حیای جنسی در مردان بیشتر است. این متناسب با خلقت زن است که تمام بدن او جاذبه جنسی دارد و لزوم حیای جنسی را در او مهم‌تر می‌نماید. همچنین میانگین حیای مثبت در زنان به طور معناداری از مردان بیشتر است. این یافته هماهنگ با روایت اصبع بن نباته از امام علی علیه السلام است:

خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ تِسْعَةَ أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ وَ جُزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ وَ لَوْلَا مَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِنَّ مِنَ الْحَيَاءِ عَلَى قَدْرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعُ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِهِ.

خداوند - عزوجل - شهوت جنسی را ده قسمت آفرید. نه قسم آن را در زنان قرار داد و يك قسم آن را در مردان و اگر خداوند عزوجل در آنها به اندازه شهوت جنسی شان حیا و شرم قرار نمی‌داد، هر آینه به هر مردی نه زن آویزان (وابسته) می‌شد. (حزعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۰/۶۳)

برای پاسخ به این پرسش فرعی که آیا میان میزان رابطه حیای زن و حیای مرد با ناسازگاری‌های زناشویی، تفاوت معناداری وجود دارد؟ این نتیجه حاصل شد که حیای زن ارتباط بیشتری با ناسازگاری‌های زناشویی دارد. در مردان رابطه معناداری بین حیای مثبت و ناسازگاری زناشویی نیست، ولی در زنان با افزایش نمره حیای مثبت، نمره ناسازگاری زناشویی به طور معناداری کاهش می‌یابد.

حیای جنسی در مردان، رابطه معناداری با ناسازگاری زناشویی ندارد، ولی این متغیر در زنان با ناسازگاری زناشویی همبستگی منفی و معنادار دارد. یعنی، هرچه حیای جنسی در زنان بالا برود، ناسازگاری زناشویی پایین می‌آید.

چنانکه هماهنگ با تجزیه و تحلیل داده‌های سازمان ملی توسعه خانواده در آمریکا است مبنی بر اینکه زنان غیر دوشیزه و غیر عقیفه به احتمال بسیار بالاتری در ازدواج اول طلاق می‌گیرند. در مطالعه مشابهی میان زنانی مطلقه مشخص گردید، نرخ طلاق در میان زنانی

که معاشرت‌های قبل از ازدواج داشته‌اند، بیشتر است. علاوه بر این، نتیجه مطالعه طولی سازمان ملی جوانان نشان می‌دهد، آن دسته از جوانان ۱۸ ساله‌ای که دوشیزه و عقیقه مانده‌اند، دو برابر بیشتر احتمال دارد، ازدواج با ثبات تری را تجربه کنند. (فینگر^۱، ۲۰۰۵، به نقل از شلیت^۲، ۱۳۸۹)

این یافته که اهمیت حیای زن در خانواده را بیشتر مورد تأکید قرار داده همسو با روایتی است که می‌فرماید: «الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَهُوَ مِنَ النِّسَاءِ أَحْسَنُ؛ حیا زیبا است، ولی از سوی زنان زیباتر است» (دیلمی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱/۱۹۳).

از محدودیت‌های این پژوهش تابو بودن موضوع حیا، به ویژه حیای جنسی است که مشارکت افراد را کاهش داد. دیگر محدودیت پژوهش سؤالات زیاد آزمون حیا (۲۰۰ ماده) و خسته‌کننده بودن آن برای برخی مشارکت‌کنندگان بود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با نمونه‌های بیشتر و در گستره جغرافیایی وسیع‌تری انجام پذیرد. پیشنهاد می‌شود آزمون حیا مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته هنجاریابی مناسبی برای آن صورت پذیرد. پیشنهاد آخر آنکه مناسب است در یک پژوهش طولی رابطه حیای پیش از ازدواج با میزان ناسازگاری‌های زناشویی پس از آن سنجیده شود.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. تحقيق: محمدطناحي، محمود. و احمدزاوی، طاهر. قم: اسماعیلیان.
۲. ابن منظور. محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۳. امینی، صدیقه (۱۳۸۸). *نقش حیا در خانواده و جامعه*. گلدشت: مدرسه علمیه خواهران گلدشت.
۴. بنیش، هلموت (۲۰۰۳ م). *اطلس علم النفس*. مترجم: انطوان الهاشم. بیروت: المكتبة الشریقة.
۵. بوستانی پور، علیرضا (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر زوج درمانی سیستمی - رفتاری بر کاهش تعارضات زناشویی زوج های هردو شاغل*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۶. پسندیده، عباس (۱۳۸۴). *پژوهشی در فرهنگ حیا*. قم: دارالحدیث.
۷. پسندیده، عباس (۱۳۸۶). *غنچه های شرم (نگاهی به مفهوم حیا)*. قم: دارالحدیث.
۸. ثنایی، یاقر (۱۳۸۷). *مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
۹. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
۱۰. حسن آبادی، حسین (۱۳۹۱). *تأثیر زوج درمانی هیجان مدار بر سازگاری زناشویی*. نشریه خانواده پژوهی، ۲۹: ۶۶-۴۹.
۱۱. حسین زاده، علی (۱۳۸۹). *نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر*. نشریه معرفت/اخلاقی، ۲: ۱۱۷-۱۳۵.
۱۲. دلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲ ه.ق). *ارشاد القلوب الی الصواب*. قم: شریف رضی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). *مفردات الفاظ القرآن الکریم*. بیروت: دارالقلم.
۱۴. رجبی، عباس (۱۳۸۵). *حجاب و نقش آن در سلامت روان*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵. زارعی محمودآبادی، علی (۱۳۸۵). *بررسی عوامل مرتبط با ناسازگاری زناشویی در جانبازان مبتلا به PTSD*. *نشریه طب نظامی*، ۲۹: ۱۶۵-۱۷۴.
۱۶. سعیدی، لیلا (۱۳۸۵). *بررسی اثربخشی زوج درمانی کوتاه مدت راه حل محور بر کاهش تعارضات زوجین شهرستان خمینی شهر اصفهان*. *نشریه تازه ها و پژوهش های مشاوره*، ۲۰(۵): ۳۹-۵۲.
۱۷. سودمند، محسن (۱۳۸۸). *مقایسه تعارضات زناشویی مادران دارای کودک مبتلا به نقص توجه- بیش فعالی با مادران دارای کودک عادی*. *نشریه زن و مطالعات خانواده*، ۲: ۴۳-۵۹.
۱۸. سید رضی (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
۱۹. شگرف نخعی، محمدرضا (۱۳۸۷). *بررسی شیوع عوامل خطر خودکشی در افراد اقدام کننده به خودکشی بستری در اورژانس بیمارستان واسعی سبزوار*. *نشریه دانشگاه علوم پزشکی سبزوار (اسرار)*، ۴۸: ۱۲۳-۱۲۸.
۲۰. شلیت، وندی. و دوموس، نانسی لی (۱۳۸۹). *دختران به عفاف روی می آورند*. مترجم: مدنی، سمانه. و پورعلمداری، پریرسا. قم: نشر معارف.
۲۱. شیردل، ملیحه (۱۳۸۵). *عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی*. *نشریه رفاه اجتماعی*، ۲۲: ۱۳۳-۱۴۸.
۲۲. طاهری زاده، ژاله (۱۳۹۰). *ویژگی های روانی شخصیتی زوج های ناسازگار و سازگاری زناشویی آنها در ایران و تورنتو*. *نشریه خانواده پژوهی*، ۲۶: ۲۲۳-۲۳۹.
۲۳. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ ه.ق). *مجمع البحرین*. بیروت: اسلامی.
۲۴. عباسی آغوی، محمدمهدی (۱۳۹۳). *حیای همسران در تعالیم اسلام و رابطه آن با ناسازگاری های زناشویی*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۵. فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۰). *بیش بینی تعارضات زناشویی از طریق ویژگی های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج ها*. *نشریه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۴۳: ۳۳-۴۴.
۲۶. فتحی، منصور. و خاک رنگین، مریم (۱۳۸۸). *عوامل خانوادگی مرتبط با کودک آزاری*. *نشریه رفاه اجتماعی*، ۳۳: ۱۲۳-۱۴۵.
۲۷. فروتن، علی اصغر (۱۳۹۱). *رابطه بین عقل و حیا در طلاب مرد و زن حوزه علمیه قم*. پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی - قم.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۱ ه.ق). *الکافی*. تحقیق: غفاری، علی اکبر. بیروت: دارصعب و دارالعارف.
۲۹. کوفی قاضی، محمدبن سلیمان (۱۴۱۲ ه.ق). *مناقب الإمام امیرالمؤمنین (علیه السلام)*. تحقیق: محمودی، محمدباقر. قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
۳۰. گلزاری، محمود (۱۳۷۹). *تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه*

- دین‌داری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی. رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۳۱. مجلسی، باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۲. محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۵۳: ۷-۴۲.
۳۳. منصور، لادن، و ادیب‌راد، نسترن (۱۳۸۳). مقایسه بین تعارض زناشویی و ابعاد آن در مراجعین زن مرکز خدمات مشاوره‌ای دانشگاه شهید بهشتی و زنان عادی. نشریه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۱۱: ۴۷-۶۴.
۳۴. منصوری‌نیا، آذر دخت (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. نشریه یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۱۹: ۶۵-۷۸.
۳۵. مولوی، حسین (۱۳۸۱). شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج. نشریه علوم انسانی الزهراء، ۴۲: ۲۰۸-۱۸۹.
۳۶. نجفی، محمدرضا (۱۳۸۷). رابطه تعارضات زناشویی و برخی عوامل جمعیت‌شناختی با شانس ابتلا به سردردهای میگرنی. نشریه دانشکده پزشکی اصفهان، ۸۹: ۱۱۲-۱۱۸.
۳۷. نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۳). جامع السعادات. مترجم: مجتبی، سید جلال‌الدین. تهران: حکمت.
۳۸. هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۲). رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی قم.
۳۹. وفایی، اعظم (۱۳۹۰). صدق عفاف. تهران: کانون اندیشه جوان.
40. Fowers, B.J., & Olson, D.H. (1992). Four types of premarital couples: An empirical typology based on PREPARE. *Journal of Family Psychology*, 6(1), 10-29.
41. Lue, S., & Klohnen, E. (2005). Quality in newlyweds: A couple centered approach. *Journal of Personality Social Psychology*, 88: 304-326.
42. Patterson, G., Hops, H., & Wesiss, R. (1975). Interpersonal skills training for couples in early stages of conflict. *Journal of Marriage and Family*, 37(2), 295-303.
43. Rice, L.P. (1996). *Intimate relationship marriage and family*. California: Cole.
44. Shiota, N., & Levenson, W. (2007). Birds of a feather don't always fly farthest: Similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages. *Journal of Psychology Aging*, 22: 666-675.